

۹

نبرد سبزنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

نشاط اجتماعی در تعطیلات نوروز منافی عزادار

بودن مردم ایران در سوگ رهبر شهید و سایر شهیدا

نیست.



یکی از پیچیدگی‌های هویتی ایرانیان که برآمده از ظرافت‌های فرهنگ اسلامی آنان است، در شیوه سوگواری‌شان هویدا می‌شود، خصوصاً اگر این سوگواری، در رسای شهادت رهبری عزیز، محبوب و مقتدر باشد. ملت ایران در مواجهه با شهادت امام خامنه‌ای، وجهی از اندوه را در دل دارند که تا عمق جان، آنها را می‌سوزاند. هیچ کس خیابان‌هایی که پیش از طلوع آفتاب اولین روز خبر شهادت رهبر انقلاب پر شده بود را فراموش نکرده است؛ اما همین مردم هم‌زمان نشاطی برآمده از امید مبتنی بر وعده‌های الهی را نیز در دل می‌پروراند. این وجوه به‌ظاهر متضاد، باعث می‌شود که آنها به استقبال اعیاد نیز بروند و درعین‌حال که خود را عزادار رهبر شهید انقلاب می‌دانند، اما در دوران تعطیلات نوروز، انگیزه، نشاط و امید خود را حفظ کنند. ملت ایران برای این جنس از کنشگری خود، توضیح روشنی دارد و آن را در امتداد مسیر رهبر شهیدش تعریف می‌کند و می‌گوید: ما اگرچه عزاداریم و اشک می‌ریزیم، اما هم‌زمان نبض زندگی را حفظ می‌کنیم و با امیدورزی و نشاط اجتماعی مان، راه مقاومتی که از رهبرمان آموخته‌ایم را ادامه می‌دهیم تا به دشمن نشان دهیم که در حال مقاومت هستیم و مقاومت ما در زندگی ماست؛ لذا دشمن نمی‌تواند اهداف شوم خود را در این سرزمین دنبال کند و ما در هر قدم، نزدیک‌تر به فتح و نصرت الهی می‌شویم. در نتیجه به هیچ وجه نشاط اجتماعی در تعطیلات نوروز، نشانه عزادار نبودن یا بی‌احترامی به ۴۰ روز عزای عمومی جامعه اسلامی ایران نخواهد بود.

پیام دهم

دولت، تسهیلات ویژه‌ای را برای هزینه‌های خرید شب

عید و جبران وقفه کسب‌وکار در نظر بگیرد.

جنگ اخیر کشور با محور آمریکایی صهیونیستی، زندگی عادی مردم ایران را تحت‌تأثیر جدی قرار داده است. تعطیلی برخی بازارهای کشور، سفره‌های مردم را هدف گرفته و خرید شب عید برای بسیاری از خانواده‌ها سخت شده است. دولت برای بازگرداندن زندگی به روال عادی، نیازمند اقدام ضربتی و فراگیر است.

تجربه موفق دوران کرونا نشان می‌دهد که پرداخت تسهیلات فوری به مشاغل آسیب‌دیده، بدون مراجعه حضوری به بانک‌ها، راهکاری کارآمد و آزموده شده است. این بار نیز همین الگو با قدرت بیشتری می‌تواند اجرا شود. ثبت خسارت منازل و مغازه‌ها توسط نهادهای ذریبط و شروع فرایند پرداخت خسارت بر اساس سیاست‌های دولت اقدامی بسیار مؤثر است که در برخی شهرهای درگیر با جنگ همچون تهران، در حال اجراست. هم‌زمان اتخاذ تمهیداتی برای شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای تولیدی آسیب‌دیده و پرداخت تسهیلات ویژه در محل کار، مواد اولیه و حقوق کارکنان می‌تواند در نظر گرفته شود.

در حوزه مالیاتی نیز اقدامات مؤثری می‌توان انجام داد. توقف موقت اقدامات حقوقی علیه واحدهای تولیدی، فرصت تنفس مناسبی برای فعالان اقتصادی ایجاد می‌کند تا بتوانند خود را بازیابی کنند. همچنین فروش برخی کالا‌های اساسی با محدودیت در تعداد خرید، راهکاری موقت برای تأمین عادلانه مایحتاج عمومی در شرایط کمبود نسبی است. این اقدامات اگرچه ضروری است، اما کافی نیست. بخش قابل‌توجهی از اقتصاد ایران در سال‌های اخیر به سمت کسب‌وکارهای آنلاین و استارت‌آپ‌ها حرکت کرده بود. این کسب‌وکارها نیز در شرایط قطع گسترده اینترنت که وارد دومین هفته خود شده، با خطر رکود مواجه‌اند و باید تمهیداتی در خصوص تسهیل فرایند مهاجرت به سکو‌های داخلی و اقدامات این‌چنین در دستور کار قرار گیرد. رانندگان تاکسی‌های اینترنتی که میلیون‌ها نفر از آنها در پلتفرم‌های مختلف فعال‌اند، نیز با مشکلات متنوعی مواجه شدند و نیازمند سهمیه‌های ویژه و تسهیلات معیشتی فوری هستند.

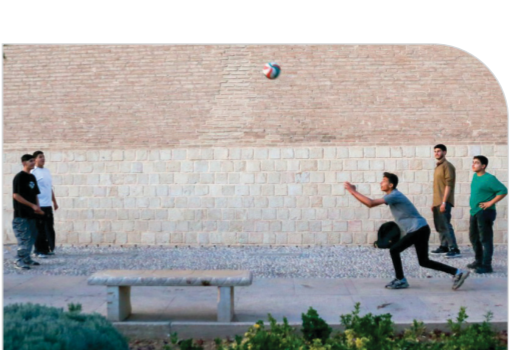
هدف اصلی در شرایط کنونی، بازگرداندن زندگی مردم به روال عادی است. برای تحقق این هدف، پایش برخط مصوبات و پیگیری سیستماتیک تصمیم‌های اتخاذ شده ضرورت دارد. هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، شبکه بانکی و نهادهای حمایتی می‌تواند معیشت مردم و نیازهای بنگاه‌های اقتصادی را تضمین کند. شب عید نزدیک است و مردم چشم به راه اقدام عملی دولت نشسته‌اند. تأخیر در این تصمیم‌ها، هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد.

۱۱

نبرد سبزنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پرداختن به زندگی روزمره، نافی درنظرگفتن شرایط

جنگی در کشور نیست.



موجود یا بی‌توجهی به اقتضانات دوران جنگ نیست. پرداختن به امور جاری می‌تواند هم‌زمان با هوشیاری کامل، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رعایت تمامی الزامات دوران بحران پیش برود و اتفاقاً این عملکرد هوشمندانه، ضامن پایداری ملی است.

در چنین مقطع حساسی، توجه دقیق به دستورالعمل‌ها و هشدارهای مقامات رسمی کشور پیرامون مراقبت‌های زمان جنگ، یک وظیفه همگانی و غیرقابل‌اغماض است. شهروندان آگاه درعین‌حال که با حضور در محل کار و اجتماع به چرخه اقتصاد کمک می‌کنند، توصیه‌های پدافندی و حفاظتی اعلام‌شده توسط مراجع ذی‌صلاح را نیز با دقت فراوان به اجرا درمی‌آورند. ترکیب کار و تلاش با آمادگی و هوشیاری، نشان‌دهنده بلوغ و انسجام یک جامعه در مواجهه با بحران‌هاست. وجه بسیار مهم دیگر این هم‌زیستی میان زندگی جاری و شرایط جنگی، در مدیریت منابع و رفتار اقتصادی نمایان می‌شود. در شرایط استثنایی کنونی، اجتناب جدی از هرگونه اسراف و درک عمیق محدودیت‌های مقطعی، یک التزام حیاتی برای تک‌تک افراد جامعه است. به عنوان نمونه، درخواست اخیر وزیر نیرو برای صرفه‌جویی همگانی در مصرف انرژی، یک فراخوان ملی جهت محافظت از توان پشتیبانی کشور در برابر فشارهای مضاعف است. همراهی مسئولانه مردم با این درخواست‌ها، تضمین‌کننده پایداری همان خدماتی است که تداوم زندگی روزمره ما به آن‌ها وابستگی کامل دارد. در نهایت، پیگیری اهداف فردی، گرم نگه‌داشتن کسب‌وکارها و حفظ جریان امید، هیچ منافاتی با درک موقعیت خطیر کشور ندارد. جامعه می‌تواند با پرهیز از مصرف بی‌رویه و التزام به ملاحظات ویژه امنیتی و اقتصادی، هم‌زمان چرخ معیشت را در حرکت نگه دارد و هم پشتیبانی مستحکم برای عبور ایمن از این شرایط تاریخی باشد.

پیام دوازدهم

مردم دریافتند که آمریکا و اسرائیل دشمن زندگی

مردم هستند.



سیاست راهبردی آمریکا و رژیم صهیونی در جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای، این بوده است که خود را به عنوان «دشمن حاکمیت» و «دشمن کارگزاران جمهوری اسلامی» جلوه بدهند و تصویری از خود بازنمایی کنند که گویی با مردم ایران مشکلی ندارند. تلاش آن‌ها طی سال‌های اخیر این بوده است که خود را «ناجی زندگی» مردم ایران جلوه بدهند. در عرصه‌ی روایت جنگ نیز، ادعاهایی از این دست که در حمله‌ی نظامی به ایران صرفاً شخصیت‌های سیاسی، فرماندهان نظامی و اماکن و تسلیحات نظامی و امنیتی را مورد هدف قرار گرفته‌اند، در دستور کار رسانه‌ای آن‌ها بوده است. از در همین راستا، بخش‌هایی از جنگ را که به شهادت مردم عادی و تخریب زندگی عموم مردم ایران انجامیده است، سانسور می‌کنند.

رهبر شهید انقلاب در مواردی به این مطلب اشاره داشتند که دشمنان نسبت به ملت ایران «کینه شتری» دارند. تجربه‌ی جنگ ۱۲ روزه و روند تحولات جنگ رمضان و جنایت‌های جنگی که مستقیماً مردم ایران را نشانه گرفته است، صدق این ادعا را نشان می‌دهد. هدف قرار دادن مدارس، هدف قرار دادن اماکن مسکونی، هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی مثل آب‌شیرین‌کن یا زیرساخت‌های پلاپیش نفت و ... نشان می‌دهد که ماشین جنگ آمریکا و رژیم صهیونی به طور جدی «اختلال در زندگی» مردم ایران را در دستور کار قرار داده است.

یکی از سیاست کثیف جنگی آمریکا و رژیم صهیونی که در سابقه‌ی جنگ‌های قبلی بارها آن را به کار گرفته‌اند، این بوده است که شکست در میدان نظامی را باید با آسیب زدن به زندگی‌آحاد مردم بحران می‌کنند. این واقعیت جنگی، امکان و زمینه‌ی یک ادراک جمعی و ملی را در مردم ایران به وجود آورده است که آمریکا و اسرائیل، «دشمن زندگی» مردم ایران هستند. یکی از راهبرد تهاجمی در عرصه‌ی دشمن‌شناسی که باید به عنوان روایت معیار در تبیین دشمنی دشمن در دستور کار نهادهای تبیینی و تبلیغی کشور قرار بگیرد، این است که آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان «دشمن مردم» و «دشمن زندگی» معرفی بشوند.

۱۳

نبرد سبزنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

حمایت مالی مردم از آسیب‌دیدگان معیشتی

شعبه مهمی از اداره جنگ است.

«اداره جنگ» علاوه بر میدان نبرد، مجموعه‌ای از سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی و روانی را در بر می‌گیرد که توان یک جامعه را برای استمرار مقاومت و تاب‌آوری در شرایط بحران حفظ می‌کند. در این چارچوب، حمایت مالی مردم از آسیب‌دیدگان معیشتی جنگ یکی از شعبه‌های مهم اداره جنگ است؛ زیرا جنگ در زندگی روزمره شهروندان نیز جریان دارد.

جنگ‌ها معمولاً با اختلال در چرخه‌های اقتصادی، کاهش اشتغال، تخریب زیرساخت‌ها و افزایش هزینه‌های زندگی همراه‌اند. در چنین شرایطی بخشی از جامعه دچار آسیب‌های معیشتی می‌شود. اگر این آسیب‌ها به حال خود رها شوند، پیامدهای اجتماعی آن از گسترش فقر و نابرابری گرفته تا افزایش ناراضیاتی عمومی، می‌تواند توان اجتماعی کشور را برای ادامه مقاومت تضعیف کند. از همین رو، لازم است شبکه‌های حمایتی گسترده‌ای برای جبران این آسیب‌ها ایجاد شوند.

در این میان، مشارکت مالی مردم جایگاهی ویژه دارد. کمک‌های مردمی علاوه بر این که منابع اقتصادی تکمیلی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر فراهم می‌کند، به شکل‌گیری نوعی همبستگی اجتماعی و «سرمایه اجتماعی جنگ» نیز کمک می‌کند. هنگامی که شهروندان احساس کنند در حمایت از یکدیگر سهیم هستند، نوعی هم‌سرنوشتی جمعی شکل می‌گیرد که تحمل سختی‌ها را آسان‌تر می‌کند و روحیه عمومی جامعه را حفظ می‌نماید.

از منظر حکمرانی نیز حمایت مردمی کارکرد مهمی دارد. معمولاً دولت‌ها در شرایط جنگی با محدودیت‌های شدید بودجه‌ای و فشارهای اقتصادی روبه‌رو هستند؛ بنابراین مشارکت جامعه می‌تواند بخشی از بار حمایتی را کاهش دهد و امکان تمرکز منابع دولتی بر حوزه‌های حیاتی‌تر مانند دفاع، زیرساخت و خدمات اساسی را فراهم آورد. به بیان دیگر، مشارکت مالی مردم نوعی «بسیج منابع اجتماعی» است که ظرفیت اداره جنگ را افزایش می‌دهد.

تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که جنگ‌هایی که پشتوانه مشارکت اجتماعی داشته‌اند، از پایداری بیشتری برخوردار بوده‌اند. شبکه‌های کمک‌رسانی مردمی، خیریه‌ها و صندوق‌های همیاری در بسیاری از کشورها به ابزارهایی برای حفظ انسجام اجتماعی در دوران جنگ تبدیل شده‌اند.

حمایت مالی مردم از آسیب‌دیدگان معیشتی جنگ بخشی از راهبرد کلان اداره جنگ است. این حمایت‌ها با تقویت تاب‌آوری اجتماعی، کاهش شکاف‌های اقتصادی و حفظ روحیه عمومی جامعه، به پایداری جبهه داخلی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که در جنگ‌های مدرن، پیروزی در توان یک جامعه برای همبستگی و حمایت متقابل در جبهه و پشت جبهه شکل می‌گیرد.

پیام چهاردهم

رسانه‌ها روایت زندگی را هم طراز روایت جنگ در

دستور کار قرار دهند.



لایه‌های مقاومت در تمام سطوح جامعه فعال شده است و اگرچه امروز این مقاومت بیش از هر چیزی در لایه سخت نظامی و سطح مقاومت جنگی ایران دیده می‌شود، اما نباید از سایر وجوه مقاومت ملی غافل ماند. همان‌طور که رهبر شهید انقلاب، در التهایات گوناگون تأکید داشتند، نبض زندگی و روال آن تحت هر شرایطی باید حفظ شود. زیرا این موضوع نه تنها به معنای نرمالیزه‌شدن نیست، بلکه در نقطه مقابل آن قرار می‌گیرد. امروز هیچ تفاوتی میان زندگی و مقاومت وجود ندارد؛ لذا مردمی که در جامعه در حال گذران معاش و زندگی طبیعی خود هستند، لحظه به لحظه را با مقاومت سپری می‌کنند. این مقاومت ملی، خود عرصه بسیار مهم و گسترده‌ای است که نیازمند روایت در رسانه‌هاست و نباید از آن غافل ماند. چنانچه روایت زندگی هم‌طراز روایت جنگ از سوی رسانه‌ها در دستور کار باشد، شاهد توسعه امنیت روانی و ارتقای شجاعت اجتماعی ملت سلحشور ایران خواهیم بود و مؤلفه‌های مرتبط با انسجام اجتماعی و وحدت ملی نیز تقویت می‌شود. به همین جهت روایت کسب و کارهای فعال در این روزها، هم‌دلی و حمایت‌های اجتماعی‌ای که مردم نسبت به یکدیگر دارند و حتی دید و بازدیدهای خانوادگی، در کنار حضور سلحشورانه آنها در خیابان‌ها، می‌تواند جنبه‌ای دیگر از مقاومت را، خصوصاً در سطح جهان منعکس کند که برای ملت‌های آزاده خواه جهان امیدبخش و برای دولت‌های مستکبر جهان، وحشت‌آفرین باشد.

پیام سیزدهم



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	اساس مقاومت مردم ایران در «جاری بودن زندگی» است.
۵	پیام دوم	تاب‌آوری مردم ایران، نقطه کانونی تعیین‌کننده سرنوشت جنگ است.
۶	پیام سوم	معطل بودن زندگی مردم، چرخه اقتصاد کشور را مختل می‌کند.
۷	پیام چهارم	فعال سازی زندگی عادی مردم، خواست رهبر شهید است.
۸	پیام پنجم	مردم، اجتماعات شبانه را بخشی از زندگی عادی خود می‌دانند.
۹	پیام ششم	پیوستگی اجتماعی و مقاومت عمومی با صلح ارحام در عید فطر و عید نوروز افزایش می‌یابد.
۱۰	پیام هفتم	سیاست برخورد قاطع با مخالفان به زندگی مردم باید تا پایان جنگ ادامه داشته باشد.
۱۱	پیام هشتم	بسیج مردمی برای پاک‌سازی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده تاب‌آوری اجتماعی را بالا برده است.
۱۲	پیام نهم	نشاط اجتماعی در نوروز منافی عزادار بودن مردم ایران در سوگ رهبر شهید و شهدا نیست.
۱۳	پیام دهم	دولت، تسهیلات ویژه‌ای را برای هزینه‌های خرید شب عید و جبران وقفه کسب‌وکار در نظر بگیرد.
۱۴	پیام یازدهم	پرداختن به زندگی روزمره، نافی درنظرگفتن شرایط جنگی در کشور نیست.
۱۵	پیام دوازدهم	مردم دریافتند که آمریکا و اسرائیل دشمن زندگی مردم هستند.
۱۶	پیام سیزدهم	حمایت مالی مردم از آسیب‌دیدگان معیشتی شعبه مهمی از اداره جنگ است.
۱۷	پیام چهاردهم	رسانه‌ها روایت زندگی را هم‌طراز روایت جنگ در دستور کار قرار دهند.

۱۵

نبرد سبزنوشت؛

سلاح زندگی

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون

جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران

۱

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پرمزون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام اول

اساسی مقاومت مردم ایران در «جاری بودن زندگی» است.



یکی از خوانش‌های غلط درباره «نظریه مقاومت» تقلیل دادن آن به سطح نظامی و سیاسی است که باعث غفلت از وجوه فرهنگی واجتماعی مقاومت می‌شود.در این خوانش غلط، گویی مقاومت در برابر نظام سلطه، صرفاً از طریق تسلیحات موشکی یا موضع‌گیری سیاسی دنبال می‌شود و مقوله مقاومت به مثابه امری منفک، بریده و بی‌نسبت با زندگی روزمره مردم فهم می‌شود. برخلاف این تصوّر، مقاومت امری

اجتماعی است و آن‌چه در عرصه نظامی، سیاسی و اقتصادی رقم می‌خورد، اگر در لایه اجتماعی

امتداد نیابد، بنیاد استواری نخواهد داشت. به همین دلیل «اجتماعی‌سازی مقاومت» یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای پایداری و استمرار مقاومت محسوب می‌شود. از همین رو، جوامعی که نتوانند مقاومت را در لایه اجتماعی بازتولید کنند، هراندازه توان تسلیحاتی و نظامی لایبی داشته باشند، امکان تداوم مقاومت را از دست می‌دهند و تسلیم نظام سلطه می‌شوند.

اگر از چشم‌انداز «مقاومت اجتماعی» و اجتماعی‌سازی مقاومت به نبرد با نظام سلطه بنگریم، جریان زندگی و جاری بودن آن، شرط اساسی ایستادگی در برابر نظام سلطه به حساب می‌آید. باطن مقاومت جمهوری اسلامی در برابر آمریکا و رژیم صهیونی، مقاومتی است که مردم شریف ایران در زندگی خود و در برابر نظام سلطه دارند. تمام تلاش نظام سلطه طی بیست سال اخیر این بوده است که از طریق ایجاد فشارهای مختلف من‌جمله اقتصادی، زندگی مردم ایران را مختل کند و با تکیه بر جنگ شناختی، مردم ایران را در برابر حاکمیت قرار دهد. از این منظر، هر اندازه زندگی روزمره مردم ایران آشفته‌تر و پریشان‌تر باشد، زیرساخت نرم‌افزاری و اجتماعی مقاومت جمهوری اسلامی در برابر آمریکا و رژیم صهیونی تضعیف می‌شود. بر همین اساس، در شرایط جنگی، جریان عادی زندگی روزمره در ایران یکی از مهمترین ابزارهای نشان دادن اقتدار و اراده مردم در برابر دشمن است. اگر بتوان با تمهیداتی چرخه‌ی روان زندگی مردم ایران را فراهم کرد، یکی از مجاری اصلی هجمه دشمن آمریکایی و صهیونی مسدود می‌شود.

پیام دوم

تاب‌آوری مردم ایران، نقطه کانونی تعیین‌کننده

سرنوشت جنگ است.



درباره نقطه‌ی پایان جنگ رمضان و اینکه این جنگ چند روز، چند هفته یا چند ماه به طول خواهد انجامید، نمی‌توان از الان برآورد دقیقی ارایه داد. عوامل و متغیرهای فراوانی در این زمینه تأثیرگذار است؛ بخشی از این متغیرها به توان تسلیحاتی و وضعیت میدان نظامی برمی‌گردد و بخشی از آن نیز به اراده سیاسی تصمیم‌گیران سیاسی و اهداف سیاسی و اقتصادی که از جنگ در سر دارند، برمی‌گردد. اما زیرساخت اصلی که در صورت فقدان آن، هم فرماندهان میدان نظامی و هم تصمیم‌گیران سیاسی کشور، مسلوب‌الاراده خواهند بود، «اراده ملی مردم» است.

جنگ رمضان بیش از آن‌که جنگی نظامی و تسلیحاتی باشد(اگرچه در ظاهر اینطور به نظر می‌رسد)، اساساً «جنگ اجتماعی» است که میزان همراهی مردم، سرنوشت آن را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، سرنوشت این جنگ را قبل از آن‌که میدان نظامی تعیین کند، میزان تاب‌آوری و استحکام ملت ایران تعیین خواهد کرد. وقتی جنگ طولانی شود، اهمیت تاب‌آوری اجتماعی مضاعف می‌شود؛ جامعه‌ای که به لحاظ روانی و ذهنی و سبک زندگی آماده‌تر باشد و از عهده‌ی زندگی در شرایط جنگی برآید، پشتوانه مستحکمی برای نیروهای نظامی و نیروهای سیاسی کشور محسوب می‌شود و به آنها این امکان را می‌دهد که با چشم‌اندازی بلندتری اقدام علیه دشمن را دنبال کنند؛ و بالعکس، هر اندازه تاب‌آوری اجتماعی جامعه کاهش یابد، هم فرماندهان سیاسی و هم کارگزاران سیاسی با محدودیت و تنگناهای فراوانی برای اعمال اراده‌ی خود به دشمن روبه‌رو خواهند شد.

ماهیت جنگ، «اجتماعی» است و روایتی که مردم با رفتار و زندگی‌شان می‌سازند، برآورد دو طرف جنگ از پایان جنگ را ترسیم می‌کند. اهمیت تاب‌آوری اجتماعی تا آن‌جاست که رهبر شهید انقلاب در یکی از بیانات تأکید کرده بودند حتی اگر مشکل سخت‌افزاری در لایه‌ی نظامی به وجود بیاید، با قوّت نرم‌افزاری مردم ایران، می‌توان آن را برطرف کرد.

۳

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پرمزون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام سوم

معطل بودن زندگی مردم، چرخه اقتصاد کشور را مختل می‌کند.



میان «پذیرش تأثیر جنگ» و «مختل شدن کامل روند زندگی» وجود دارد که امروز باید بیش از پیش از آن مراقبت کنیم.

هدف غایی در هر جنگی، تنها آسیب‌های مستقیم نظامی نیست، بلکه فرسایش روانی و متوقف کردن ماشین اقتصاد یک کشور است. زمانی که جامعه در حالت انتظار مطلق فرومی‌رود و جریان عادی زندگی را به حالت تعلیق درمی‌آورد، ناخواسته بزرگ‌ترین آسیب را به خود وارد کرده است. متوقف کردن امور روزمره، به تعویق‌انداختن فعالیت‌های شغلی، کاهش بی‌دلیل تعاملات بازار و دست‌کشیدن از تلاش به بهانه شرایط جنگی، دقیقاً همان نقطه‌ای است که زندگی، فلج می‌شود.

معطل ماندن زندگی مردم، ضربه‌ای مستقیم بر پیکره اقتصاد کشور وارد می‌کند. اقتصاد، یک چرخه زنده است که با حرکت، تولید، خرید و فروش تکت‌تک شهروندان نفس می‌کشد. اگر فعالان اقتصادی دست از تلاش بردارند و چرخه عرضه و تقاضا به دلیل هراس از آینده متوقف شود، تبعات این رکود، کشور را از درون ضعیف می‌کند. جامعه برای عبور از بحران، نیازمند اقتصادی پویاست و مردم باید شخصاً از توقف این چرخه جلوگیری کنند. امروز، مهم‌ترین وظیفه ما در قبال خود و کشورمان، جلوگیری از این ایستایی است. با وجود تمام فشارهای موجود، باید به زندگی جاری و روزمره خود بپردازیم. باز نگه‌داشتن کسب‌وکارها و حفظ پویایی‌های اجتماعی از واجبات اجتماعی امروز ماست و موجب بقای مطلوب کشور است.

۵

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پرمزون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

مردم، اجتماعات شبانه را بخشی از زندگی عادی خود می‌دانند.

در شرایط جنگ تحمیلی آمریکا علیه ایران، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های راهبردی کشور، حضور فعال و داوطلبانه مردم در صحنه‌های مختلف اجتماعی است. بخشی از این حضور، در قالب اجتماعات شبانه مردم در شهرها و محلات شکل گرفته است؛ اجتماعاتی که علاوه بر نمایش همبستگی اجتماعی، کارکردهای مهمی در تقویت روحیه عمومی، افزایش احساس امنیت و پشتیبانیی اجتماعی از مقاومت ملی دارد. تجربه تاریخی جامعه ایران نشان می‌دهد که هرگاه مشارکت مردمی به شکلی طبیعی و از درون زندگی روزمره شکل بگیرد، قدرت و ماندگاری آن چند برابر خواهد شد.

با این حال، تداوم چنین ضروری مستلزم آن است که این اجتماعات به گونه‌ای سامان یابند که به‌تدریج به بخشی از زندگی عادی مردم تبدیل شوند. اگر مشارکت اجتماعی به شکل یک فعالیت مقطعی، پرهزینه یا همراه با فشارهای مضاعف بر زندگی روزمره باشد، طبیعی است که استمرار آن با دشواری روبه‌رو خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین الزامات این امر، کاهش سختی‌های عملی چنین حضورهایی است. برای مثال، پیاده‌روی‌های طولانی، خستگی ناشی از حضور شبانه، یا نبود امکانات اولیه ممکن است در بلندمدت بخشی از جامعه را از مشارکت فعال باز دارد. فراهم کردن تمهیداتی مانند مسیرهای مناسب، فضاهای استراحت، پذیرایی‌های ساده مردمی، و سازماندهی داوطلبانه برای کمک به سالمندان و خانواده‌ها می‌تواند فشار فیزیکی این حضور را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. در چنین شرایطی، مشارکت، تجربه‌ای جمعی و دلپذیر خواهد بود.

از سوی دیگر، تقویت ارتباطات اجتماعی در این اجتماعات اهمیت فراوانی دارد. اگر این گردهمایی‌ها به فضایی برای گفت‌وگو، آشنایی بیشتر میان افراد، همدلی و تعامل اجتماعی تبدیل شوند، احساس تعلق جمعی در میان مردم تقویت خواهد شد؛ در این صورت، مردم به خاطر ارزش اجتماعی و عاطفی این گردهمایی‌ها در آن حضور پیدا خواهند کرد.

به بیان دیگر، موفقیت این نوع مشارکت مردمی در گرو آن است که یک «کنش استثنایی» به یک «رفتار روزمره اجتماعی» تبدیل شود. چنین تحولی زمانی رخ می‌دهد که ساختارهای حمایتی، تسهیل‌گر و مردمی در کنار یکدیگر قرار گیرند و حضور در این اجتماعات به تجربه‌ای همراه با احساس رضایت، همبستگی و آرامش اجتماعی تبدیل شود، پایدار بماند و به یکی از پایه‌های مهم تاب‌آوری جامعه در شرایط فشار و بحران تبدیل شود.

پیام ششم

پیوستگی اجتماعی و مقاومت عمومی با صله

احرام در عید فطر و عید نوروز افزایش می‌یابد.



ایران و مقاومت آن، مقاومتی مردمی است. همان‌طور که ایده حاکمیتی آن هم مردم‌پایه است، هرآنچه که ترابیت مردمی را تقویت کند، کمکی جدی به جنگ و دفاع مقدس ماست. این ترابیت به معنای دغدغه‌مندی و پیوستن به هم است. عادت ایرانیان آن است که از فرصت‌های تعطیلات و اعیاد برای این ارتباط استفاده می‌کرده‌اند و ما به‌زودی در آستانه تلاقی عید فطر و نوروز قرار داریم.

این فرصت، به خوبی می‌تواند با ظرفیت‌های خود به این پیوستگی اجتماعی کمک کند.

ورود به فطر به معنای موفقیت در عبادت یک‌ماهه نوعی نشاط معنوی ایجاد می‌کند؛ همان‌گونه که ورود در بهار حسی از نوشیدن و نشاط را پدید خواهد آورد. این نشاط و دریافت‌ها را باید غنیمت شمرد تا روح زندگی، مسیر را قوی‌تر طی کند.

صلهٔ رحم‌های نوروز چند مزیت را ایجاد می‌کند. دیدن خود در یک بستر آرامش‌بخش خانوادگی، بسیاری از فشارها و استرس‌های احتمالی را کاهش می‌دهد. شنیدن خاطرات، نصایح و تجارب از یکدیگر و به‌ویژه بزرگ‌ترها خود نوعی حس پیوستگی، باهم‌بودن، تعلق به سرنوشت مشترک و هویت ایرانی را جدی می‌سازد. به‌علاوه صلهٔ رحم هم‌زمان، هم آرامش و هم نشاط و هم آموختن و فرصت عرض اندام و گفت‌وگو فراهم می‌آورد؛ چیزی که مسیری طبیعی برای اعلام رأی نظر ایرانیان در محیطی صمیمانه است. ازهمین‌رو باید همگان و با هر سلیقه سیاسی و هر تحلیلی از این فرصت به‌خوبی استفاده کنند، و با رعایت ضرورت نگه‌داشت و تقویت پیوندهای اجتماعی و توجه به پیروزی کشور وارد هرگونه گفت‌وگوی احتمالی خانوادگی و دوستانه شوند. امری که با مبادلهٔ اطلاعات سلیاق مختلف درون خانوادگی تصویری دقیق‌تر و مطابق با واقعیت‌های افتخارآمیز میدان به همه خواهد داد.

نتیجهٔ این پیوندها و هم‌زیستی‌ها در ابعاد خانوادگی و دوستانه، تقویت پیوستگی عمومی ایرانیان است و درنهایت با افزودن تعلق مشترک، درد، عزا و پیروزی مشترک، به مقاومت عمومی ایرانیان اشتدادی برجسته خواهد داد.

۷

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پرمزون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام هفتم

سیاست برخورد قاطع با مخّان به زندگی مردم باید تا پایان جنگ ادامه داشته باشد.



در شرایط جنگی، یکی از مهم‌ترین

اولویت‌های هر کشور حفظ جریان عادی زندگی مردم است. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که اگر زندگی روزمره جامعه بتواند با حداقل اختلال ادامه یابد، توان ملی برای عبور از بحران به طور قابل‌توجهی افزایش پیدا می‌کند. از همین رو، سیاست مدیریت جنگ در بسیاری از کشورها بر این اصل

استوار است که میدان نبرد نباید به عرصه اختلال در زندگی عمومی مردم تبدیل شود. بااین‌حال، در چنین شرایطی گاهی افرادی با انگیزه‌های مختلف از سودجویی اقتصادی گرفته تا عملیات روانی در تلاش‌اند، فضای عمومی جامعه را دچار اضطراب و بی‌ثباتی کنند. احتکار کالاهای اساسی، ایجاد اختلال در شبکه توزیع، شایعه‌سازی، بزرگ‌نمایی تهدیدها یا القای ناامنی روانی، از جمله رفتارهایی است که می‌تواند آرامش اجتماعی را هدف قرار دهد و زندگی عادی مردم را مختل کند.

در این میان، مسئولیت دستگاه‌های مسئول روشن است؛ برخورد قاطع و بدون اغماض با هرگونه

اخلال در زندگی مردم. چنین برخوردی تنها برای کنترل بازار و تأمین نیازهای عمومی ضروری است، بلکه از نظر روانی نیز پیام روشنی به جامعه منتقل می‌کند؛ اینکه نظم عمومی و امنیت اقتصادی در هر شرایطی خط‌قرمز محسوب می‌شود.

تجربه‌های مختلف نشان داده است که هرگاه با سودجویان، محترکان و عاملان اخلال در آرامش عمومی با قاطعیت برخورد شده، اعتماد عمومی تقویت و فضای اجتماعی آرام‌تر شده است. برعکس، هرگونه تسامح در برابر این رفتارها می‌تواند زمینه‌گسترش نااطمینانی و فشار مضاعف بر مردم را فراهم کند.

ازاین‌رو، تداوم سیاست برخورد قاطع با مخلان زندگی مردم تا پایان شرایط بحرانی یک ضرورت مدیریتی واجتماعی است. حفظ آرامش بازار، جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و مقابله با عملیات روانی، همگی بخشی از همان راهبردی است که هدف نهایی آن یک چیز است: استمرار زندگی عادی مردم حتی در سخت‌ترین شرایط.

۸

نبرد سیرنوشت

مجموعه پیام های نبیی پرمزون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام هشتم

بسیج مردمی برای پاک‌سازی واحدهای مسکونی

آسیب‌دیدة به‌شدت تاب‌آوری اجتماعی را بالا برده

است.



در شرایط بحران‌های ناشی از حملات هوایی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که به حفظ انسجام جامعه و کاهش آثار روانی و مادی بحران کمک می‌کند، شکل‌گیری بسیج مردمی و محلی برای مدیریت پیامدهای فوری حادثه است. تجربه‌های

مختلف نشان می‌دهد که حضور داوطلبانه شهروندان در پاکسازی و ساماندهی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده، نقشی اساسی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی ایفا می‌کند.

اغلب پس از حملات هوایی، محیط‌های مسکونی با حجم زیادی از آوار، شیشه‌های شکسته، تخریب جزئی ساختمان‌ها و اختلال در نظم زندگی روزمره مواجه می‌شوند. اگر فرآیند بازگرداندن این فضاها به وضعیت قابل سکونت صرفاً به دستگاه‌های رسمی واگذار شود، به دلیل محدودیت منابع و گستردگی آسیب‌ها ممکن است زمان قابل توجهی طول بکشد. در چنین شرایطی، بسیج داوطلبانه ساکنان محله‌ها، گروه‌های مردمی و سازمان‌های اجتماعی می‌تواند سرعت پاکسازی و بازسازی اولیه را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

این مشارکت های داوطلبانه اولاً حس کنترل و عاملیت اجتماعی را در میان شهروندان تقویت می‌کند. افرادی که در بازسازی محیط زندگی خود مشارکت می‌کنند، خود، به کنشگران فعال در مدیریت آن تبدیل می‌شوند. همین احساس عاملیت، یکی از مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری اجتماعی محسوب می‌شود. ثانیاً فعالیت‌های جمعی برای پاکسازی و ساماندهی محیط، شبکه‌های همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. همکاری میان همسایگان، گروه‌های داوطلب و نهادهای محلی باعث شکل‌گیری اعتماد متقابل و سرمایه اجتماعی می‌شود. این سرمایه اجتماعی در مراحل بعدی بحران -از اسکان موقت گرفته تا بازسازی بلندمدت- نقشی تعیین‌کننده در هماهنگی و همیاری میان اعضای جامعه دارد. ثالثاً این بسیج مردمی، عاملی در کاهش فشار روانی ناشی از بحران است. مشارکت در فعالیت‌های جمعی هدفمند، احساس امید، همدلی و حمایت اجتماعی را افزایش می‌دهد و از گسترش احساس درماندگی و اضطراب در میان آسیب‌دیدگان جلوگیری می‌کند. حضور فعال شهروندان در کنار یکدیگر، به جامعه این پیام را منتقل می‌کند که بازگشت به زندگی عادی ممکن و قابل تحقق است.